**آئین سخن وری**

**یغمائی، حبیب**

برترین فضیلت انسان سخنوری است که،بنطق آدمی بهتر است از دواب،و هرچند شخص در این هنر بکوشد به کمال انسانی نزدیک‏تر می‏شود.

در تأثیر و فوائد سخن کتاب‏ها و داستان‏هاست و حتی ما اگر در گفتار روزانهء خود و هم‏صحبتان خود تأمل کنیم،می‏بینیم که دو متکلم یک مطلب را به دو عبارت بیان‏ می‏کنند که یکی تأثیر مثبت می‏بخشد و آن یک بی‏تأثیر می‏ماند،و یا ممکن است نتیجهء منفی بدهد.پس باین اندیشه خطا نباید بود که در تحصیل فن سخنوری وقت برایگان‏ از کف می‏رود بلکه تباهی وقت در آن است که درسی مفید و مؤثر را بخوبی فرانگیریم.

\*\*\* بنیان و پایهء شعر و سخنوری،چون دیگر فنون هنری،استعداد و مایهء طبیعی است‏ که خداوند تعالی کرامت می‏فرماید و کمتر کسی است که در راه دانش‏پژوهی گام نهد و از این موهبت،بیش یا کم،بهره‏ای نداشته باشد.ازین روی شناختن و آموختن اصول و قواعدی که پیشینیان نهاده‏اند،بر کسانی که مراتب عالیهء تحصیلی می‏پیمایند،و بتدریس‏ و تألیف و تعلیم می‏گرایند،لازم است تا هم به روش تهذیب و آراستن گفتار خود آگاه‏ شوند و هم درجات فضیلت سخنوران و نویسندگان را دریابند.بدیهی است در بکار انداختن استعداد هرچند کوشش بیش باشد سود و فایدتی بیش خواهد بود.

استادان و نویسندگان بزرگ فارسی زبان،در هر عصر،برای درست نوشتن و درست‏ گفتن دستورهائی داده‏اند و راهنمائی‏ها فرموده‏اند که اگر فراهم آید تألیفی‏ ارجمند و مفید خواهد بود.مطالعهء این تألیف‏ها و تأمل درین دستورها بر همه دانشجویان‏ که در رشته‏های گوناگون تحصیل می‏کنند،واجب است،زیرا روابط علمی و ادبی دنیای‏ امروز سخت بهم پیوسته است،و اگر محصلی به زبانی دیگر علمی را به خوبی هم فراگیرد تا احاطه به زبان ملی خود نداشته باشد و آئین گفتن آنرا نداند،و درست نوشتن نتواند، به هیچ روی توفیق نخواهد یافت که لطائف آن را به جامهء زبان ملی خود بیاراید و دقایق معانی آن را به هم‏وطنان و هم‏زبانان خود بازگوید،و با این حال بدیهی است که‏ از معلومات و فضائل اکتسابی خود دیگران را بهره نمی‏تواند رساند.

مایه و هستهء نویسندگی قریحه و استعداد و طبع سلیم است،اما این مایه و هسته‏ وقتی بارور می‏شود،و نتیجه می‏دهد،که شخص در فضایل اکتسابی نیز کوشش تمام بکار برد.

تصور فرمائید مزرعه‏ای از حیث آب و خاک و اعتدال هوا در پرورش هر نوع نهال‏ و بخشیدن هرگونه محصول آماده است،اما اگر این مزرعه را با همه استعدادی که‏ دارد مهمل گذارند،و نکاوند،و بذر نیفشانند،و نهال ننشانند،مسلم است که هیچ‏ بهره‏ای نخواهد داد.پس محصل خردمند به صرف اینکه دارای هوش و استعداد است‏ نیاید مغرور شود،و از مطالعهء کتاب‏های درسی و غیردرسی خود را بی‏نیاز داند،بل‏ برخلاف می‏باید این نعمت ایزدی را که بوی عطا شده مغتنم شمارد،و با تححصیل فضائل‏ اکتسابی در پرورش و بارور شدن آن بکوشد،و چندان اهتمام ورزد که وجود او،هم برای‏ ملتش و هم برای نوع بشر مفید باشد.

سنگی و گیاهی که در او خاصیتی هست‏ از آدمیی به که در او خاصیتی نیست

\*\*\*

در همه شئون ملت‏ها،غالبا در هر عصر،یک نوغ تحول و تغییر بظهور می‏پیوندد که آن را گامی و جهشی در پیشرفت به مقصد نهائی انسانی و کمال مطلوب بشری باید دانست.ادبیات هر قوم نیز از این تحول برکنار نیست و آئین نگارش خود از فنون ادبی‏ است یعنی به سهم خود تحول و تغییر می‏یابد،چنان‏که مثلا روش نویسندگان قرن‏ چهارم با روش مؤلفین قرن نهم و یا دوازدهم بفاوتی آشکارا دارد و متبحرین در فن نگارش‏ و شعر می‏توانند بآسانی آثار ادبی هر عصر را تشخیص دهند.منشیان و دبیران ایرانی‏ در قرن‏های گذشته غالبا دیوان رسائل پادشاهان و بزرگان را عهده‏دار بودند،یا به تاریخ‏ نویسی اشتغال می‏جستند،که نمونهء کامل این گروه خواجه ابو الفضل بیهقی دبیر سلطان‏ مسعود غزنوی و نویسندهء تاریخ بیهقی است.

نگارش رسائل دیوانی چندان اهمیت داشته که نظامی عروضی یکی از مقالات‏ چهارگانهء کتاب خود را در کیفیت دبیری دربار پادشاهان اختصاص داده.رسائل و ترجمه‏های‏ علمی و ادبی و مقامات و داستان‏های کوتاه نیز مورد توجه بوده و دراین‏گونه آثار صنایع بدیعی را بکار می‏برده‏اند چنانکه مقامات حمیدی و گلستان شیخ سعدی نمونهء تمام و کامل این نوع آثار است.

اما در این دوره نگارش جلوه‏گریهای گوناگون یافته که از آن همه نوشتن‏ داستان‏های گوناگون و مقالات متنوع و ترجمهء آثار ملل دیگر،مهم‏تر و دلکش‏تر می‏نماید.

بهر روی که باشد توجه به دستورهای نگارش بسیار لازم است.

در این رساله که باختصار فراهم آمده،و شاید در نوع خود تألیفی کم مانند باشد، نخست عقیدهء پیشینینان در آئین نگارش یاد می‏شود و از آن پس دستورهائی که امروز در نوشتن باید رعایت کرد،مگر دانشجویان ارجمند را راهنمائی باشد...